

**بررسی وظایف  
و حدود اختیارات  
ولایت فقیه  
جلد دوم**

برگرفته از بیانات شفاهی درس خارج فقه

علامه آیت الله محمد مؤمن قمی

مقدمه، تحقیق و تعلیق:

محمد مهدی بهداروند

بهداروند، محمد مهدی، ۱۳۴۲ -

بررسی وظائف و حدود اختیارات ولایت فقیه (جلد دوم) / تدوین محمد مهدی بهداروند... قم: صبح میثاق، ۱۳۸۵.

۲۴۸ ص.

بها: ۲۰۰۰۰ ریال

ISBN: 964 - 8308 - 21 - 7

۹۶۴ - ۸۳۰۸ - ۲۱ - ۷

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا (فهرست نویسی پیش از انتشار)

کتابنامه به صورت زیرنویس

۱. ولایت فقیه. ۲. اسلام و دولت. الف. عنوان

۲۹۷/۴۵

BP ۲۲۳ / ۸ / پ ۹ پ ۴



بررسی وظائف و حدود اختیارات ولایت فقیه (جلد دوم)

صاحب اثر: علامه آیه الله محمد مؤمن قمی

تحقیق و نگارش: محمد مهدی بهداروند

ناشر: مرکز نشر صبح میثاق

ویراستار: دکتر مسعود میرعماد

حروف چین و صفحه آرا: محمد صفاجو

چاپ: شریعت

نوبت چاپ: اول / بهار ۱۳۸۵

شمارگان: ۳۰۰۰

قیمت: ۲۰۰۰۰ ریال

شابک: 964 - 8308 - 21 - 7

نشانی الکترونیک: [Info@behdadbehvand.com](mailto:Info@behdadbehvand.com)

کلیه حقوق محفوظ است

قم، صندوق پستی ۱۱۱۳ - ۳۷۱۳۵

## مقدمه

بیت الغزل این سطور را به کلامی از امام خمینی مزین می‌نمایم که فرمود:

اسلام نه دعوتش به خصوص معنویات است و نه دعوتش به خصوص مادیات است، هر دو را دارد؛ یعنی اسلام و قرآن کریم آمده‌اند که انسان را به همه ابعادی که انسان دارد، بسازند.<sup>۱</sup> آن روز که در غرب هیچ خبری نبود و ساکنانش در توحش به سر می‌بردند و امریکا سرزمین سرخ‌پوستان و... بود و مملکت پهناور ایران و روم محکوم استبداد و اشرافیت و تبعیض و تسلط قدرت‌مندان بودند و اثری از حکومت و قانون در آنها نبود، خدای تبارک و تعالی به وسیله رسول اکرم ﷺ قوانینی فرستاد که انسان از عظمت آنها به شگفت می‌آید. برای همه امور، قانون و آداب آورده است. برای انسان پیش از آن که نطفه‌اش منعقد شود تا پس از آن که به گور می‌رود، قانون وضع کرده است. همان‌طور که برای وظایف عبادی قانون دارد، برای امور اجتماعی و حکومتی قانون و راه و رسم دارد. حقوق اسلام، یک حقوق مترقی و متکامل و جامع است. کتاب‌های قطوری که از دیرزمان در زمینه‌های مختلف حقوقی تدوین شده از احکام قضا و معاملات و حدود و قصاص گرفته تا روابط بین ملت‌ها و مقررات صلح و جنگ و حقوق بین‌الملل عمومی و خصوصی، شمه‌ای از احکام و نظامات اسلام است. هیچ موضوع حیاتی نیست که اسلام تکلیفی برای آن مقرر نداشته و حکمی درباره آن نداده باشد.<sup>۲</sup>

۱. خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۲۵.

۲. همان، ولایت فقیه، ص ۱۰.

و سپس به کلامی از اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری که فرمود:

از جمله مباحثی که مردم ما باید روی آن فکر کنند و معرفت کافی به دست آورند، این است که نظام اسلامی و جامعه قرآنی ما در بافت و ساخت خود متکی به مردم است. تحمیل و زور در کار نیست، مردم باید این نظام را بفهمند و بخواهند، تا عمل کنند، آنچه به دست آمده با اراده و استقامت مردم بوده و باید این دستاوردها با همین وسیله باقی بماند. مردم باید بدانند که نظام ما بر مبنای استبداد، که می‌خواهد مردم کور و کور باشند، استوار نیست. برخلاف رژیم‌های دیگر که صرفه خود را در ندانستن ملت خود می‌دانند، نظام اسلامی صرفه‌اش را در دانستن مردم می‌داند. اگر مردم ندانند و نفهمند و تصمیم نگیرند، کار مسئولان دشوار می‌شود. مبنای کار نظام ما بر بصیرت مردم است. ما نمی‌خواهیم حتی یک نفر مصداق این آیه باشد: «إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الضَّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ»<sup>۲</sup> همه باید نسبت به مسائل گوناگون اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی و اعتقادی درک و تحلیل داشته باشند.

مسائلی مانند: رهبر امت اسلامی، ارکان این امت، نحوه دخالت مردم در حکومت، اختیارات حکومت در برابر مردم، نقش ارتش، دانشگاه، روحانیت، نقش امر به معروف و نهی از منکر، از مسائل ضروری است، که چون قوام نظام با مردم است، باید آن مسائل را بدانند.

بر این اساس یکی از تجلیات پرنمود مکتب اسلام، عنصر حاکمیت و حکومت است، عنصری که در تمام قانون‌مندی‌های اسلام نهفته شده و فلسفه و غرض این اندیشه کلی این است که اسلام، دینی فراگیر و فراملی است و به حکومت به چشم ضرورت می‌نگرد، به عبارت دیگر حکومت و حاکمیت دین اسلام، یک نیازست که

اکثریت قریب به اتفاق مسلمانان و فقها بر وجوب آن تأکید داشته و دارند تا آنجا که امام خمینی طلایه دار حکومت اسلامی در عصر و قرن حاضر اعلام می نماید:

«هرکه اظهار کند که تشکیل حکومت اسلامی ضرورت ندارد، منکر ضرورت اجرای احکام شده و جامعیت احکام و جاودانگی دین مبین اسلامی را انکار کرده است».

در پیرامون عنصر حاکمیت، بحث اختیارات حاکم از مباحث مناقشه ای در فقه شیعه و سنی است. اختیاراتی که ما نسبت به ولی فقیه از آن بحث می کنیم به نوعی لازمه و ضروری حکومت است که حاکم نسبت به افراد جامعه و شئون آن اختیاراتی دارد و می تواند مرکس را طبق لیاقتش به کاری وادارد و یا طبق کاستی هایی که می بیند افرادی را عزل می کند. البته ضرورت و لزوم اختیارات در حاکم عادل و مدبر و متقی و برخوردار از حکمت های رهبری دلایل گوناگونی دارد که آنها را یاد می نمایم.

بنابراین یکی از مباحث مربوط به ولایت فقیه، حوزه مسئولیت هایی است که بر عهده وی قرار دارد. این مسئولیت را می توان در چهار قلمرو اساسی مورد توجه قرار داد:

۱. اعمال ولایت؛
۲. سیاست گذاری و هدایت؛
۳. تصدی امور و مدیریت؛
۴. نظارت.

بر این اساس در بحث قلمرو اعمال ولایت، حاکم اسلامی و رهبر، موظف است که بر جامعه اعمال ولایت نماید. متخلفان و متجاوزانی در جامعه هستند، پیشامدهای بحران زایی رخ می دهد و خطوط و جریاناتی معاند، به موضع گیری علیه حکومت اسلامی می پردازند. به علاوه، مسائل مالی و تأمین امنیت نیز در

چارچوب اعمال ولایت قرار می‌گیرند.

از عنوان ولایت، می‌توان حق حاکمیت را استنباط کرد، که در راستای اعمال حق حاکمیت وظیفه‌های بسیاری بر عهده حاکم اسلامی قرار می‌گیرد؛ همچون: دفاع از هجوم بیگانگان، منع کافران از استیلای بر کشورهای دیگر، رعایت حقوق داخلی شهروندان، فرمان جنگ و صلح، رفع منازعات بین اشخاص، تنظیم روابط کلان سیاسی و اقتصادی، انعقاد پیمان و قرارداد با دولت‌ها، محدود ساختن اختیارات اشخاص و... همه اینها در چارچوب دستورات حکومتی اسلامی، زیرمجموعه وظیفه حاکمیت حاکم اسلامی می‌باشد:

«و هذا الوجه مركب من مقدمتين: احدهما، احراز عدم رضا الشارع بفوات المصالح و اضمحلال الاحكام التي تبطل و تضمحل بفقدان السلطة و الحكومة الاسلامية... والثانية، تعين الفقيه لهذه المهمة، لاحد سببين: اما لورود الدليل على اشتراط الفقهية في قائد الامة الاسلامية و اما لانه القدر المتيقن في الأمور؛<sup>۱</sup>

وجه ولایت و وظیفه اعمال آن از دو مقدمه تشکیل شده است. اول این که شارع مقدس راضی به از بین رفتن مصالح جامعه اسلامی و نابودی احکام نیست؛ زیرا مصلحت‌ها، و احکام الهی با فقدان سلطنت و حکومت اسلامی، در معرض نابودی قرار می‌گیرند. دوم این که برای به دست گرفتن حکومت، در شریعت اسلامی فقط فقیه تعیین یافته به دو سبب: ۱. دلیل بر لزوم فقاهاست حاکم وجود دارد. ۲. یا این که قدر متیقن، همین است».

بنابراین، اعمال ولایت از سوی حاکم اسلامی، قلمرو وسیعی را در بر می‌گیرد. در همین زمینه، اجرای احکام ثانوی، مباحث مربوط به تزاحم و اهم و مهم،

۱. حائری، سید کاظم، ولایة الامر فی عصر الفیفة، ص ۹۶.

مباحث مربوط به مصالح و منافع عامه، احداث طرق و شوارع و تصرف در اموال مجهول‌المالک، اخذ مالیات‌ها، خراج و مقاسمه، وضع عوارض و گمرکات، ایجاد محدودیت‌های گوناگون حقوقی، قضایی، کیفری، اداری، عبور و مرور و پروانه ساخت و ساز و... یا به طور مستقیم از وظایف حاکم اسلامی است، یا باید مستند به رأی و نظر و خواست وی باشد؛ زیرا این امور، از لوازم جدایی‌ناپذیر حکومت می‌باشند.

در همین راستا، احکام حکومتی مطرح می‌شود، که این احکام، مباحثی همچون تشخیص مصلحت نظام، نظام بانکداری، انحصارات دولتی، سلب مالکیت از اشخاص حقیقی و حقوقی و... را شامل است و همه اینها برای رفع بحران‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی از وظایف حاکم اسلامی شمرده می‌شوند که پیشتر به آنها تا حدودی اشاره شد.

سرانجام این که ولی جامعه اسلامی، از بُعد وظیفه ولایت خویش، الهام‌بخش همه فعالیت‌های زندگی آحاد جامعه است، در بینش فقهی و دینی ما ولی فقیه جانشین خدا و ولایت او، مظهر ولایت و سلطه و قدرت عادلانه الهی در زمین است. ولی فقیه وظیفه دارد که از استعدادها و امکانات نهفته در جان مردم و در جامعه انسانی در مسیر تکامل و تعالی آنها استفاده کند.

«از آنجا که ولی، جانشین خدا و مظهر سلطه و قدرت عادلانه الهی در زمین است، از همه امکانات و استعدادهایی که در وجود انسان‌ها برای تکامل و تعالی نهاده شده، به سود آنان بهره‌برداری می‌کند و از این که حتی اندکی از این زمینه‌های مساعد را در راه زیان انسانیت به کار رود و یا نابود گردد، که این نیز خود زیان بزرگی است، مانع می‌گردد. عدل و امن را که برای رویش و بالندگی نهال انسان، همچون زمینی مستعد و آبی گوارا و هوایی مساعد است، در محیط زیست آنان تأمین می‌کند و از بروز جلوه‌های گوناگون ظلم

جلوگیری می‌کند. همه را به سوی بندگی خدا سوق می‌دهد، خرد و بینش انسانی را به باروری می‌رساند، آنان را به کار و ابتکار سوق می‌دهد. یاد خدا (نماز)، تقسیم عادلانه ثروت (زکات)، اشاعه نیکی‌ها (امر به معروف) و ریشه‌کن ساختن بدی‌ها (نهی از منکر) را برنامه اساسی خویش می‌سازد و خلاصه انسانیت و پدیده‌های انسان را به هدف و غایت از آفرینش نزدیک و نزدیک‌تر می‌سازد».<sup>۱</sup>

... آنچه در این مجموعه (جلد دوم بررسی و وظایف اختیارات ولی فقیه) در مقابل شما قرار دارد، برگرفته از بیانات استاد معظم حضرت علامه آیت‌الله محمد مؤمن قمی در درس خارج فقه پیرامون وظایف و اختیارات ولایت فقیه در سال ۱۳۸۴ است که از سر درمان‌گری، روشن‌گری و پرسش‌گری با بازنویسی مجدد و شرح و تحقیق آن توانسته‌ام نکته‌هایی را بر آن بیفزایم و آن را تدوین نمایم. امیدوارم با انجام این کار توانسته باشم گامی در جهت تبیین اندیشه‌های سیاسی و حکومتی شیخنا الاستاد برداشته باشم.

پیشاپیش از هرگونه کاستی و کژی قلم عذر خواسته امید واثق دارم با تذکر خوانندگان محترم در چاپ‌های بعدی از نظریات سودمند آنان در اصلاح مجموعه استفاده نمایم.

آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست

هر کجا هست خدایا به سلامت دارش

قم - حوزه علمیه  
محمد مهدی بهداروند

۱. خامنه‌ای، سیدعلی. طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، ص ۱۰۴.